



حمله به زبان فارسی | قسمت چهارم

# نبرد خاموش

این چهارمین یادداشت پرونده «زبان فارسی» است. در این قسمت، می‌خواهیم مستقیم به یک منطقه جنگی برویم، آن‌هم نه یک منطقه آشنا که همه از وجودش خبر داشته باشند، بلکه یک منطقه امنیتی که خیلی‌ها اصلاً خبر ندارند در آن جنگی در حال وقوع است!

زبان. بله! همین زبان خودمان. زبان از اولین خاکریزهایی است که در جنگ نرم، دشمن به فکر فتح آن می‌افتد. اگر یادتان باشد، در قسمت قبل، با هم دلایلش را مرور کردیم؛ اما چطور؟ دشمن چگونه به زبان یک ملت حمله می‌کند؟

این اژدها، چند سر دارد. یک سر آن، به فکر «تضعیف» زبان است، چگونه؟ با چپاندن کلمات زبان خودش در دهان مردم کشور مقابل. در این روش، زبان مهاجم، با بیشترین کلمات ممکن، به یک ملت یورش می‌آورد؛ کاری می‌کند که مردم، به جای استفاده از واژه‌های زبان مادری خودشان، به استفاده از معادل‌های همان واژه‌ها در زبان بیگانه روی بیاورند. در این زمینه، متأسفانه تا دلتان بخواهد، مثال غم‌انگیز داریم؛ مثلاً؟...

خیلی‌ها دیگر نمی‌گویند «گپ»، می‌گویند «چت».  
خیلی‌ها دیگر نمی‌گویند: «باشه، حله، هماهنگه،  
جوره، راست‌وریشه»، می‌گویند: «اوکیه!»، نمی‌گویند  
«لغو شده، به‌هم‌خورده»، می‌گویند «کنسله»،  
نمی‌گویند «زمان»، می‌گویند «تایم». این فهرست را  
می‌توانیم تا فردا ادامه بدهیم، با غم، غم زیاد.

ایرادش چیست؟ چه اشکالی دارد اگر از ظرفیت کلمات  
انگلیسی در زبان فارسی استفاده کنیم؟ اولین  
مشکلش این است که به این ترتیب، ظرفیت زبان  
خودمان کم می‌شود؛ چرا؟ چون وقتی مرتب از  
معادل‌های بیگانه استفاده می‌کنیم، کم‌کم دایرهٔ  
واژگان غنی زبان فارسی، آب می‌رود.

انگار دارد منقرض می‌شود. کلمات بیگانه آن‌قدر جا می‌افتند که دیگر کسی یادش نمی‌آید خودمان در زبان فارسی برای این مفهوم، کلمه داشتیم؛ مثلاً، دیگر کسی یادش نمی‌آید می‌تواند به‌جای «لیست»، از «فهرست» استفاده کند. این کلمات مهجور، آن‌قدر بی‌استفاده می‌مانند تا فراموش می‌شوند.

به‌دنبال این اتفاق، کم‌کم زبانی روی دست ما می‌ماند که برای خیلی از مفاهیم، هیچ کلمه‌ای از آن خودش ندارد. آن‌وقت این زبان آبرفته مرتب باید دست‌به‌دامان زبان‌های دیگر باشد تا به او کلمه قرض بدهند.

می‌بینید چه اتفاق غم‌انگیزی است؟ ما گمان می‌کنیم اگر به جای «دنبال کردن» بگوییم «فالو کردن»، هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد، اما خبر نداریم با همین یک کار ساده، در واقع، وارد منطقه جنگی شده‌ایم، آن‌هم در خاکریز طرف مقابل که مشغول بمباران زبان ملی ماست. همان‌طور که در قسمت قبلی گفتیم، زبان‌های زنده دنیا با هم دادوستد می‌کنند. گاهی از هم کلمه می‌گیرند و گاهی به هم، کلمه می‌دهند. بخشی از این دادوستد، طبیعی است و ارزنده. اتفاقاً به پویایی و افزایش ظرفیت زبان، کمک هم می‌کند. در عین حال، اصلاً نباید سرعت این واردات و صادرات، از حد بگذرد یا توازنش به هم بخورد. در غیر این صورت، به جای تقویت، زبان را تضعیف خواهد کرد.

صبر کنید! غر نزنید! بله! گفتم که! اینجا میدان جنگ است. طبیعی است که زیر این همه هجمه، گاهی اوقات، تصمیم‌های مهم، درست و به‌موقع گرفته نشوند؛ مثلاً، وقتی سال‌ها در زبان همه مردم جاافتاده که بگویند «کامپیوتر»، سخت است ناگهان انتظار داشته باشیم همه از «رایانه» استفاده کنند! یا مثلاً عجیب‌غریب است اگر به‌جای «لازانيا» بگوییم «خمیربرگ» یا در زیست‌شناسی، تمام اصطلاحات تخصصی را به فارسی برگردانیم، طوری که دیگر نتوانیم با منابع علمی دنیا، ارتباط آسانی برقرار کنیم. حتماً برای کلماتی که هرروز به زبان‌های مختلف، از جمله زبان ما، اضافه می‌شوند، باید با سرعت و سلیقه بیشتری معادل پیشنهاد شود.

این را هم اما یادمان نرود که باید به کلمات، فرصت بدهیم. خیلی از معادل‌های فارسی که امروز از آن‌ها استفاده می‌کنیم، در گذشته کلمات نامأنوسی بودند که با صبوری مردم، کم‌کم جای خودشان را در صفحه کتاب فارسی ما پیدا کردند.

داشتیم از اژدها می‌گفتیم. سر دیگر آن برای حمله به زبان، «تخریب» آن است. این یکی چطور اتفاق می‌افتد؟ خاموش و بی‌سروصدا. تنها با تزریق یک ذهنیت در ملت‌ها: «هرکس بلد نباشد در حرف‌هایش، یکی‌درمیان از کلمات انگلیسی استفاده کند، بی‌سواد و بی‌کلاس است!» بله! به همین سادگی، نگاه یک ملت به زبان مادری‌اش، تخریب می‌شود.



وقتی ذهن آدم‌ها با این گزاره سمی شود، نگاه تحقیرآمیزی به زبان مادری‌شان پیدا می‌کنند. تصور می‌کنند اگر آمیخته‌گویی کنند، یعنی مرتب از کلمات بیگانه در زبان فارسی استفاده کنند، به نظر بقیه آدم‌های باسواد و سطح بالایی می‌آیند. درست با همین فرمان است که امروز در بعضی از رستوران‌ها و کافه‌ها، خیلی از مردم نمی‌توانند بدون تأمل فراوان، چیزی سفارش بدهند؛ چون فهرست خوراکی‌ها پر از اسم‌های نامأنوسی است که از زبان‌های بیگانه گرفته‌شده تا آن رستوران مذکور مثلاً جذاب به نظر بیاید.

درباره این سر داستان و تخریب زبان فارسی، باید بیشتر با هم گفت‌وگو کنیم؛ پس، وعده ما یادداشتهای بعدی این پرونده باشد! فقط قبل رفتن، بگذارید یک جمله درخشان را که جایی خوانده‌ام، برایتان نقل کنم: «استفاده شما از کلمات بیگانه، به معنی تسلطتان به زبان دوم نیست، بلکه به معنی تسلط نداشتن شما بر زبان مادری‌تان است».